

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارش پژوهشی

سال نهم، شماره ۹۰، آبان ۱۳۹۵

نقش حاکمیت شرکته در مبارزه با فساد

پژوهشگر:

آیت باقری

مرکز مطالعات و پژوهش های سلامت اداری و مبارزه با فساد

مطالب مندرج در این گزارش نشانگر دیدگاه نویسندگان آن بوده و لزوماً نمایانگر دیدگاه سازمان بازرسی کل کشور نمی باشد.

کلیه حقوق مربوط به گزارش حاضر متعلق به سازمان بازرسی کل کشور بوده و هرگونه

انتشار مطالب آن بدون کسب اجازه از این سازمان، غیرمجاز می باشد.



نام گزارش: نقش حاکمیت شرکتی در مبارزه با فساد

پژوهشگر: آیت باقری

شمارگان: ۳۰۰

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: آبان ۱۳۹۵

آدرس: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع سپهبد قرنی، سازمان بازرسی کل کشور،

طبقه ششم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

تلفن: ۶۱۳۶۲۳۰۷

فهرست مطالب

۷.....	اشاره
۱۰.....	مقدمه
۱۴.....	ریشه‌های تاریخی حکمرانی شرکتی
۱۵.....	تعریف حاکمیت شرکتی
۱۸.....	تلاش‌ها و ابتکارات جهانی برای استانداردسازی حاکمیت شرکتی
۲۱.....	اصول حاکمیت شرکتی
۲۳.....	انواع سیستم‌های حاکمیت شرکتی
۲۴.....	حاکمیت شرکتی درون‌سازمانی
۲۶.....	حاکمیت شرکتی برون‌سازمانی
۲۹.....	پاسخ‌گویی
۳۰.....	عواقب عدم رعایت حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها
۳۳.....	اهمیت حاکمیت شرکتی در اقتصادهای در حال گذار
۳۳.....	مجاری رعایت اصول حاکمیت شرکتی
۳۴.....	مشکلاتی اجرایی کردن حاکمیت شرکتی
۳۶.....	حاکمیت شرکتی در ایران
۳۹.....	نکات مهم آیین‌نامه حاکمیت شرکتی
۴۰.....	مزایای آیین‌نامه حاکمیت شرکتی
۴۰.....	راهکارهای توسعه حاکمیت شرکتی در ایران
۴۲.....	نتیجه‌گیری
۴۵.....	منابع

اشاره

حاکمیت شرکتی^۱ یکی از مؤثرترین ابزارهای پیشگیری و کاهش وقوع فساد به‌ویژه در بخش شرکتی است. به‌رغم مزیت‌های حاکمیت شرکتی، تلاش کافی برای فهم نقش آن به‌عنوان مانعی در مقابل سوءاستفاده‌ها و عامل پیشگیری و مدیریت ریسک‌های فساد در شرکت‌ها صورت نگرفته است. سازمان شفافیت بین‌الملل، سیستم‌های حاکمیت شرکتی قوی را به‌عنوان عنصر اساسی تلاش‌های شرکت‌ها در راه تقویت مشوق‌ها و اقدامات صحیح و نیز مقابله با فساد قلمداد کرده است. چنان که شواهد تجربی نشان می‌دهد بدون استقرار سیستم‌های حاکمیت شرکتی اقدامات مختلف مبارزه با فساد از تأثیر اندکی برخوردار خواهد بود و به‌تبع آن، رشد شرکت‌ها و نیز کشورهایی که این شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند، تضعیف خواهد شد. در دنیای امروز شرکت‌ها به‌عنوان رکن اقتصادی جامعه در ایجاد ثروت و اشتغال‌زایی و جذب سرمایه‌گذاری شناخته می‌شوند، اقتصاد هر کشور وابسته به تحرک و کارایی شرکت‌های آن است. آن‌ها باید آزاد باشند تا شرکت‌های خود را به‌پیش ببرند. اما این آزادی باید در چارچوب مسئولیت پاسخ‌گویی اثربخش اعمال شود.

رعایت حقوق سهامداران، شفافیت اطلاعات و ایفای مسئولیت‌های اجتماعی توسط شرکت‌ها از مهم‌ترین عواملی است که بیش از گذشته موردتوجه قرار گرفته است؛ بنابراین استقرار حاکمیت شرکتی صحیح می‌تواند پادمان‌هایی^۲ را علیه فساد و

1 - Corporate Governance

2 - safeguards

سوءمدیریت ایجاد نماید درعین حال به ترویج ارزش‌های بنیادین اقتصاد بازاری در جوامع مختلف بپردازد.

حاکمیت شرکتی، مجموعه روابطی است بین سهامداران، مدیران، حساب‌رسان شرکت که متضمن برقراری نظام کنترلی به‌منظور رعایت حقوق سهامداران جزء و اجرای درست مصوبات مجمع و همچنین جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی است. این اصل که بر پایه نظام پاسخ‌گویی و مسئولیت اجتماعی استوار است مجموعه‌ای از وظایف و مسئولیت‌ها را دربرمی‌گیرد که باید توسط ارکان شرکت صورت پذیرد تا موجب پاسخ‌گویی و شفافیت شود.

هرچه قدر نظام حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها محکم‌تر استقرار یابد شرکت‌ها شفاف‌تر، مدیران پاسخ‌گوتر و عملکرد شرکت‌ها نیز بهتر خواهد بود. سیستم حاکمیت شرکتی موجود در یک کشور با شماری عوامل داخلی از جمله ساختار مالکیت شرکت‌ها، وضعیت اقتصادی، سیستم قانونی، سیاست‌های دولتی و فرهنگ، معین می‌شود. ساختار مالکیت و چارچوب‌های قانونی از اصلی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عوامل سیستم حاکمیت شرکتی هستند. اصول بنیادی حاکمیت شرکتی بر آن است که جو شفافیت، راستی و پاسخ‌گویی را در مدیریت سازمان تقویت نماید.

حاکمیت شرکتی خوب، از فساد پیشگیری می‌کند و یا حداقل تبعات منفی آن را محدود می‌سازد. حاکمیت شرکتی خوب، ریشه در اصول پذیرفته‌شده اجتماعی دارد که مشوق رفتار صادقانه و مسئولانه و پایبندی به نص صریح قوانین است که درمجموع همه این اقدامات آنتی‌تری در مقابل فساد محسوب می‌شود.

به دلیل ساختار مالکیت شرکت‌ها و تفکیک ناچیز مالکیت از مدیریت و اقتصاد دولتی در کشور ما، اصول حاکمیت شرکتی در نظر بسیاری از مدیران اقتصادی اهمیت چندانی نداشته و رعایت آن‌ها نیز ضرورتی ندارد و هنوز اقدامی جدی برای پیاده‌سازی و استقرار آن در اقتصاد بنگاه‌ها صورت نپذیرفته است. این امر در کشور ما یک دانش نوپا است که بسیاری از مشکلات شرکت‌های کشور ما به سبب عدم پیاده شدن آن می‌باشد.

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد امیدوار است با انتشار نوشتار حاضر توجه بازرسان و کارشناسان سازمان را به این مهم معطوف نماید تا در برنامه‌ریزی نظارتی و بازرسی خود مسأله فوق را مدنظر داشته باشند.

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

مقدمه

طی دهه‌های گذشته فساد به مسأله نگران‌کننده‌ای برای شرکت‌های جهان تبدیل شده است. این امر با سقوط چند شرکت مهم در آمریکا و اروپا به نحو ملموسی نمایان شده و این اتفاقات همه توجهات را به موضوع حاکمیت شرکتی معطوف کرد، چراکه فساد به کشورهای درحال توسعه، سیستم سیاسی خاص یا شرایطی اقتصادی محدود نمی‌شود و می‌تواند در هر مکان و هر زمانی اتفاق افتد.

رسوایی‌های اخیر شرکتی در آمریکا و اروپا ثابت کرد که هیچ کشوری مصون از فساد نیست اما تفاوت اساسی میان حکومت‌ها در میزان فراگیر بودن آن است. به‌رغم قدمت این عنوان، تعریف مورد قبول جهانی درمورد فساد، وجود ندارد. «سوءاستفاده از قدرت محوله درجهت منافع خصوصی» تعریفی است که سازمان شفافیت بین‌الملل از این عنوان ارائه داده است. از طرف دیگر، از فساد غالباً به‌عنوان «بیماری شدید» نام برده می‌شود، بیماری خطرناکی که به‌شکلی بی‌رحمانه از سازمانی به سازمان دیگر و از نهادی به نهاد دیگر سرایت می‌کند تا آنجا که تمام نهادهای موجود را تحلیل برده و منجر به فروپاشی سیستم سیاسی حاکم شود. با این حال تا مدت‌ها فساد جرمی بدون قربانی تلقی می‌شد. گرچه می‌توان گفت که، غالباً، فساد جرمی بدون قربانی‌هایی مشخص است.

طی چند دهه اخیر، با افزایش سطح مبادلات اقتصادی و اجتماعی میان کشورهای مختلف در پرتو پیشرفت‌های شگرف در عرصه ارتباطات و فناوری اطلاعات و همراه با آن نقش‌آفرینی شرکت‌های داخلی و چندملیتی در عرصه تجارت جهانی باعث گردیده تا معضل فساد نیز به سهولت از نقطه‌ای به نقطه دیگر جهان نقل مکان و ابعاد فراملی و حتی فرامنطقه‌ای پیدا کند. از سوی دیگر کشورهای مختلف برای مبارزه با فساد و کنترل آن به ابتکارات و شگردهای جدید روی آورده‌اند که یکی از این شیوه‌های کنترل فساد، استقرار حاکمیت شرکتی در بخش‌های مختلف بوده است.

حاکمیت شرکتی مجموعه سازوکارهای هدایت و کنترل شرکت‌ها است. نظام حاکمیت شرکتی توزیع حقوق و مسئولیت‌های ذی‌نفعان مختلف شرکت‌ها اعم از مدیران، کارکنان، سهامداران، اعتباردهندگان و سایر شخصیت‌های حقیقی و حقوقی را که از فعالیت‌های شرکت تأثیر پذیرفته و بر آن اثر می‌گذارند، مشخص می‌کند. این نظام که قوانین و رویه‌هایی برای تعیین فرآیندهای تصمیم‌گیری در شرکت اعم از هدف‌گذاری، تعیین ابزارهای رسیدن به اهداف و طراحی سیستم کنترلی را معین می‌کند، با راه‌هایی که تأمین‌کنندگان منابع مالی برای اطمینان از بازگشت سرمایه‌شان به کار می‌بندند، ارتباط تنگاتنگی دارد. این نظام در راستای حمایت و صیانت از حقوق و منافع تمامی سرمایه‌گذاران و سهامداران در بانک و کاهش تضاد منافع بین مدیران و سهامداران حرکت می‌نماید. حاکمیت شرکتی ضمن ارائه چارچوب قانونی و مقرراتی برای تعیین روابط و مسئولیت‌های میان سهامداران، اعضای هیأت‌مدیره، مدیرعامل و ذی‌نفعان دیگر، تضمین عملکرد رقابتی لازم برای صحت و سلامت فعالیت‌ها و حصول اطمینان نسبت به رعایت حقوق ذی‌نفعان و ارائه معیارها و سازوکارهای نظارت و کنترل بر فعالیت‌های مدیران و الزام پاسخ‌گویی آن‌ها راجع به فعالیت‌های خود را فراهم می‌آورد. در مجموع می‌توان گفت که نظام حاکمیت شرکتی مجموعه دستورالعمل‌ها، ساختارها، فرآیندها و هنجارهای فرهنگی است که شرکت‌ها با رعایت آن به اهداف شفافیت در فرآیندهای کاری، پاسخ‌گویی در مقابل ذی‌نفعان و رعایت حقوق آن‌ها دست خواهند یافت.

در سال‌های اخیر پیشرفت‌های فراوانی در استقرار نظام حاکمیت شرکتی از طریق قانون‌گذاری، نظارت و نیز اقدامات داوطلبانه شرکت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه صورت گرفته است. سرمایه‌گذاران و سهامداران آگاهی بیشتری در مورد

ضرورت و اهمیت حاکمیت شرکتی یافته‌اند و نسبت به پیگیری استقرار این نظام در شرکت‌ها علاقه‌مند شده‌اند. برخی تحقیقات تجربی حکایت از رابطه مثبت نظام حاکمیت شرکتی و بازده شرکت‌ها دارد. در یک بیان کلی حاکمیت شرکتی سیستم کنترل و هدایت شرکت است، سیستمی که ارتباط بین شرکت و ذی‌نفعان را کنترل و هدایت می‌کند. حاکمیت شرکتی در سطح خرد دستیابی به اهداف شرکت و در سطح کلان تخصیص بهینه منابع را دنبال می‌کند.

بر اساس گزارش بانک جهانی، ۵۲ درصد از شرکت‌های خاورمیانه و ۳۴ درصد از شرکت‌های جهان مسأله فساد را به‌عنوان مانعی برای کسب‌وکار ذکر کرده‌اند. هزینه‌های فساد می‌تواند تأثیر ویران‌کننده‌ای بر اقتصاد ملی داشته باشد. فساد همه شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و شکل و اندازه شرکت‌ها در این مورد هیچ اهمیتی ندارد. فساد می‌تواند شرکت‌ها و در کنار آن وسیله امرار معاش سهام‌داران را که زندگی آن‌ها منوط به موفقیت شرکت است، نابود سازد.

در مواجهه با فساد راه‌حل ساده‌ای وجود ندارد. در برخی موارد شرکت‌ها ممکن است منشأ فساد باشند و در شرایط دیگر تنها یک قربانی محسوب می‌شوند. مسأله اساسی این است که هم شرکت‌ها و هم دولت‌ها مجبورند راه‌حل‌های متعددی را برای مقابله با این معضل توسعه بخشند. برخی برای اصلاح فضای کسب‌وکار به‌منظور ایجاد شفافیت بیشتر به اقدام دسته‌جمعی مبادرت می‌کنند. مثلاً در برخی کشورها، شرکت‌ها از طریق امضای پیمانی با دولت متعهد می‌شود در فرایندها، رویه‌ها و خط و مشی‌های شرکت‌های خود از درستکاری تبعیت نماید. با امضای این پیمان، شرکت‌ها، طی بیانیه‌ای یک‌جانبه اعلام می‌کنند که به اقدامات آلوده به فساد مبادرت نورزند و از اصول مبارزه با فساد به‌هنگام کسب‌وکار و معامله با شرکای تجاری و دولت پشتیبانی کنند.

برخی شرکت‌ها در جریان تعاملات خود با دولت به توسعه استانداردهای اخلاقی و رویه‌های مناسب مبادرت می‌کنند، همانند امضای میثاق‌های درستکاری که در بخش صنعت رواج دارد. در این میان راه‌حل‌های بخش خصوصی برای مقابله با فساد طبیعتاً نمی‌تواند خارجی باشد. بسیاری از شرکت‌ها باهدف جستجوی راه‌هایی به‌منظور اطمینان از این‌که ناخواسته به ایجاد فضای فسادانگیز یاری نرسانند نگاه خود را به درون معطوف کرده‌اند.

یکی از راه‌حل‌های کلیدی برای مقابله با معضل فساد از طریق تدابیر داخلی، استقرار حکمرانی شرکتی قوی در درون شرکت‌هاست. حکمرانی شرکتی نه‌تنها ابزاری است که موجب افزایش بهره‌وری می‌شود، بلکه دسترسی به سرمایه را بهبود می‌بخشد، قابلیت تداوم شرکت^۱ را تضمین می‌نماید و ابزار مؤثری در مبارزه با فساد نیز محسوب خواهد شد.

حکمرانی شرکتی از فساد پیشگیری می‌کند و یا حداقل تبعات منفی آن را محدود می‌سازد. حکمرانی شرکتی خوب مبتنی بر اصول پذیرفته‌شده اجتماعی است که رفتار صادقانه و مسئولانه را ترویج می‌کند و به نص صریح و روح قوانین پایبند است که در مجموع همه این موارد آنتی‌تزی در مقابل فساد به‌شمار می‌آید.

ریشه‌های تاریخی حکمرانی شرکتی

افشای کم‌های نامشروع و پنهانی هفده شرکت بزرگ آمریکایی به حزب جمهوری خواه در سال ۱۹۷۳ موضوع کنترل‌های داخلی شرکت‌ها و افشای اطلاعات مالی را از منظر جدیدی در کانون توجه مجامع حرفه‌ای و نهادهای نظارتی قرار داد. انجمن حسابداران رسمی آمریکا، استانداردهای ویژه‌ای را در مورد کنترل‌های داخلی برای حسابداران مستقل وضع نمود. به دنبال آن کنگره آمریکا در سال ۱۹۹۱ قانونی را تصویب رساند که به موجب آن شرکت‌های سهامی عام ملزم به ارائه گزارش در ارتباط با کیفیت و مؤثر بودن کنترل‌های داخلی گردیدند. موضوع حاکمیت شرکتی به گونه‌ای که امروز مطرح است حاصل مطالعات و بررسی‌هایی است که در کشورهای مختلف انجام گردید و سابقه مشخص آن به دهه ۱۹۹۰ میلادی برمی‌گردد. گزارش «کادبری»^۱ در انگلستان، مقررات هیأت‌مدیره در جنرال موتورز آمریکا، گزارش «دی»^۲ در کانادا از آن جمله است.

رسوایی‌های مالی در شرکت‌های انرون، ورلد کام، سیکو، زیراکس و چند شرکت دیگر، کنگره آمریکا را بر آن داشت تا کمیته خاصی را مأمور بررسی راهکارهایی برای مقابله با فساد و تقلب نماید. مسئولیت این کمیته برعهده سناتور آمریکایی پل ساربنز و نماینده کنگره میشل اُکسلی گذاشته شد. آن‌ها با همکاری سازمان حسابرسی دولتی، انجمن حسابداران رسمی آمریکا و کمیسیون بورس اوراق بهادار لایحه‌ای را تدوین نمودند که به قانون «ساربنز - اُکسلی»^۳ شهرت یافت. این قانون موجب پیدایش مرجع نظارتی نسبتاً مقتدری به نام هیأت حسابداری شرکتی‌های سهامی عام گردید. در سال‌های اخیر نهادها و سازمان‌هایی نظیر، شبکه جهانی حاکمیت شرکتی، اتاق

1 - cadbury

2 - Dey

3 - Sarbanes-Oxley Act

بازرگانی بین‌الملل بانک جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و فدراسیون بین‌المللی حسابداران و برخی مؤسسات رتبه‌بندی نظیر استاندارد و پورز در ترویج و وضع استانداردهایی در رابطه با حاکمیت شرکتی فعالیت داشته‌اند. اگرچه برخی از دستورالعمل‌ها و استانداردهای مورد اشاره جنبه اجباری یافته است (مثل الزامات قانون ساربنز-اُکسلی) اما اجرای بخش عمده‌ای از آن‌ها کماکان جنبه اختیاری و داوطلبانه دارد.

تعریف حاکمیت شرکتی

برای دستیابی به تعریفی جامع و کامل از نظام حاکمیت شرکتی لازم است به فرایند طرح و تکوین این مفهوم بپردازیم. بررسی متون متعدد و معتبر نشان می‌دهد که اولین و قدیمی‌ترین مفهوم عبارت حاکمیت شرکتی از واژه لاتین Gubnare به معنای هدایت کردن گرفته شده است که معمولاً در مورد هدایت کشتی یا راندن ارابه به کار می‌رود و دلالت بر این دارد که اولین تعریف حاکمیت شرکتی بیشتر بر راهبری تمرکز دارد تا کنترل. تعریف‌های مختلفی از حاکمیت شرکتی وجود دارد؛ از تعریف‌های محدود و متمرکز بر شرکت‌ها و سهامداران آن‌ها گرفته تا تعریف‌های جامع و دربرگیرنده پاسخ‌گویی شرکت‌ها در قبال گروه کثیری از سهامداران، افراد یا ذی‌نفعان.

بررسی ادبیات موجود حکایت از آن دارد که هیچ تعریفی مورد توافق در مورد حاکمیت شرکتی در سطح جامعه حرفه‌ای وجود ندارد و مطابق با کشوری که در نظر می‌گیریم، تفاوت‌های چشمگیری در این تعریف به چشم می‌خورد. حتی در کشورهای توسعه‌یافته‌ای همانند کشورهای آمریکا یا انگلیس نیز رسیدن به یک تعریف واحد، کار آسانی نیست. تعاریف موجود از حاکمیت شرکتی شامل طیفی است که دیدگاه‌های

محدود در یک سو و دیدگاه‌های گسترده‌تر در سوی دیگر طیف قرار می‌گیرند. در دیدگاه‌های محدود، حاکمیت شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می‌شود که این الگوی قدیمی حاکمیت شرکتی است و در قالب تئوری حسابداری به‌عنوان نمایندگی مطرح می‌شود. در آن سوی طیف، حاکمیت شرکتی را می‌توان به صورت یک شبکه از روابط دید که نه تنها بین شرکت‌ها و مالکان آن‌ها (سهامداران)، بلکه بین یک شرکت و عده زیادی از ذی‌نفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و ... وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب «تئوری ذی‌نفعان» دیده می‌شود.

تعاریف دیگری از مفهوم حاکمیت شرکتی عبارت‌اند از :

۱. سیستمی که با آن شرکت‌ها هدایت و کنترل می‌شوند.
۲. فرآیند نظارت و کنترل برای تضمین این که مدیر شرکت مطابق با منافع سهامداران عمل می‌کند.
۳. رابطه بین سهامداران و شرکت‌های آنان و روشی که سهامداران به کمک آن مدیران را به بهترین عملکرد تشویق می‌کنند (مثلاً با رأی‌گیری در مجامع عمومی و جلسات منظم با مدیر ارشد شرکت‌ها)
۴. ساختارها، فرآیندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی که عملیات موفق سازمان را فراهم می‌کنند.
۵. ابزاری که هر جامعه به وسیله آن جهت حرکت شرکت را تعیین می‌کند و یا عبارت است از روابط میان گروه‌های مختلف در تعیین جهت‌گیری و عملکرد شرکت. گروه‌های اصلی عبارت‌اند از: سهامداران، مدیرعامل و هیأت‌مدیره، سایر گروه‌ها شامل کارکنان، مشتریان، فروشندگان، اعتباردهندگان و اجتماع.
۶. مجموعه قوانین، مقررات، نهادها و روش‌هایی که تعیین می‌کنند شرکت‌ها چگونه و به نفع چه کسانی اداره می‌شوند.

۷. حاکمیت شرکتی مربوط به اداره عملیات شرکت نیست بلکه مربوط به هدایت بنگاه اقتصادی، نظارت و کنترل اعمال مدیران اجرایی و پاسخ‌گویی آن‌ها به تمام ذی‌نفعان شرکت است.

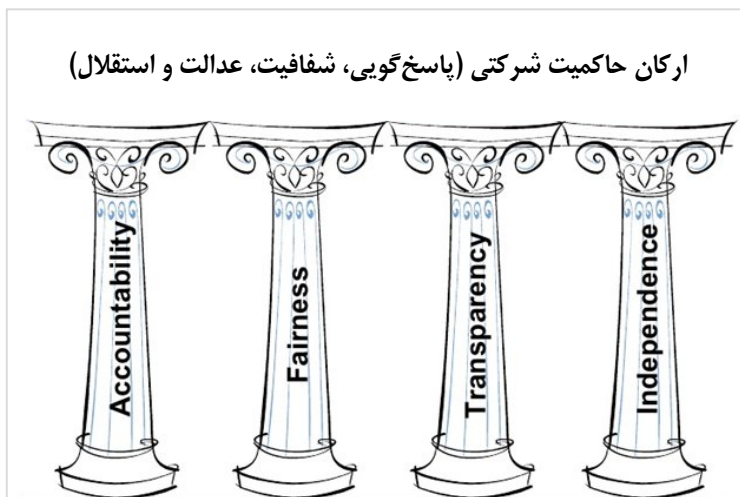
بررسی تعریف‌ها و مفاهیم حاکمیت شرکتی و مرور دیدگاه‌های صاحب‌نظران، حکایت از آن دارد که:

حاکمیت شرکتی یک مفهوم چندرشته‌ای است و هدف نهایی حاکمیت شرکتی دستیابی به چهار مورد زیر در شرکت‌هاست:

پاسخ‌گویی، شفافیت، عدالت (انصاف)، رعایت حقوق ذی‌نفعان.

با مرور تعریف‌های یادشده و تحلیل آن‌ها می‌توان تعریف بالنسبه جامع و کامل زیر را ارائه کرد:

«حاکمیت شرکتی قوانین، مقررات، ساختارها، فرایندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی است که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخ‌گویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان می‌شود.»



تلاش‌ها و ابتکارات جهانی برای استانداردسازی حاکمیت شرکتی

محرك مهم و برجسته تغییر در اصول حاکمیت شرکتی، فروپاشی شرکت‌ها بوده است، اما این محرك‌ها تنها محرك‌های ایجاد فشار برای همگرایی بین‌المللی نبوده‌اند. طی دهه اخیر تعدادی از آژانس‌های بین‌المللی نقش مهمی در ارتقای همکاری و ایجاد سیستم‌های حاکمیت شرکتی مناسب داشته‌اند.

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۱ اولین نهاد بین‌المللی برای ایجاد گروه‌های کاری بین‌المللی به منظور تدوین یک مجموعه استانداردهای پذیرفته‌شده جهانی حاکمیت شرکتی بود. گروه کاری مزبور متشکل از نمایندگان ۲۹ کشور عضو این سازمان، کمیسیون اتحادیه اروپا، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک تجارت و تصفیه بین‌المللی، انجمن کارکنان و سرمایه‌گذاران بود تا از پذیرش و به‌کارگیری آتی این اصول اطمینان حاصل شود.

اصول سازمان توسعه و همکاری اقتصادی چارچوبی را برای کمک به شرکت‌ها در تهیه و ایجاد یک سیستم حاکمیت شرکتی مطابق با محیط قانونی، سازمانی و مقرراتی خود فراهم می‌کند. اصول ارائه‌شده غیر تعهدآور بوده و به‌دنبال صدور نسخه‌ای دقیق برای قوانین ملی نیستند بلکه قصد آن شناسایی اهداف و پیشنهاد روش‌های گوناگون دستیابی به آن‌هاست. این اصول به‌عنوان نکات مرجع کاربرد دارند. سیاست‌گذاران می‌توانند از این اصول در تدوین چارچوب‌های قانونی و نظارتی مالکیت شرکتی متناسب با شرایط اقتصادی، اجتماعی، قانونی و فرهنگی سود جویند و فعالان بازار در تدوین رویه‌های خاص خود از آن استفاده کنند. این اصول ماهیت تکاملی دارند و باید با توجه به تغییرات مهم در شرایط مورد بازبینی قرار گیرند.

شرکت‌ها برای حفظ توان رقابتی خود در دنیایی که همواره در حال تغییر است باید به‌گونه‌ای به نوآوری و تطبیق رویه‌های مالکیت شرکتی خود بپردازند که نیازهای جدید را برآورده سازند و از فرصت‌های تازه استفاده کنند. همچنین دولت‌ها مسئولیت مهمی در ایجاد چارچوب نظارتی مؤثر برعهده دارند به‌نحوی که بازارها را از انعطاف‌پذیری لازم برای کارکرد مؤثر و واکنش به انتظارات سهامداران و دیگر ذی‌نفعان برخوردار سازند. دولت‌ها و متصدیان بازار باید با توجه به منافع و هزینه‌های قانون‌گذاری درمورد چگونگی به‌کارگیری این اصول در تدوین چارچوب‌های مالکیت شرکتی تصمیم‌گیری کنند.

به شرحی که گذشت، یکی از مهم‌ترین معایب اصول سازمان توسعه و همکاری اقتصادی ضعف در قدرت الزام آن است و اصول مربوطه تنها می‌تواند به‌عنوان مرجعی برای کشورهایی که می‌خواهند سیستم‌های حاکمیت شرکتی خود را ایجاد یا اصلاح کنند به کار رود. شبکه بین‌المللی حاکمیت شرکتی^۱ بیانیه الزام‌آورتری را درمورد اصول حاکمیت شرکتی بین‌المللی در سطح غیردولتی ایجاد کرد. شبکه بین‌المللی حاکمیت شرکتی یک سازمان جهانی است که متشکل از سرمایه‌گذاران کلیدی بین‌المللی مانند سرمایه‌گذاران حقیقی و شرکت‌ها و واسطه‌های مالی است. اصول این سازمان، اصول سازمان توسعه و همکاری اقتصادی را به‌عنوان زیربنای اصلی پذیرفته است و رهنمودهای دیگری نیز درمورد نحوه به‌کارگیری عملی آن اصول فراهم کرده است. اما شواهد کافی درمورد نحوه به‌کارگیری این اصول در کشورهایی که حاکمیت شرکتی آن‌ها دارای چارچوب‌های سازمانی ضعیف است، ارائه نشده است.

در یک ابتکار بین‌المللی دیگر، انجمن مشترک‌المنافع حاکمیت شرکتی^۱ یک مجموعه اصول حاکمیت شرکتی را در سال ۱۹۹۹ ایجاد کرد که شبیه اصول سازمان توسعه و همکاری اقتصادی بود. هدف آن‌ها کمک به توسعه و ایجاد استراتژی‌های ملی برای ارتقای حاکمیت شرکتی مناسب بوده است. در چند سال اخیر این رهنمودهای حاکمیت شرکتی بر تحول سیستم‌های حاکمیت شرکتی در تعدادی از کشورهای در حال توسعه آفریقا متمرکز بوده است. طبق نظر برخی اصول انجمن مشترک‌المنافع حاکمیت شرکتی برای کشورهای در حال توسعه و نوظهور بسیار مناسب‌تر از اصول سازمان توسعه و همکاری اقتصادی است، چراکه این اصول به‌عنوان یک نقطه آغازین محکم و واضح برای بسط و ارتقای سیستم‌های حاکمیت شرکتی عمل می‌کنند؛ اما در حال این اصول را هنوز نمی‌توان به‌عنوان بهترین راهکار برای اقتصادهای در حال توسعه دانست. ارزیابی این ابتکارات به‌دلیل کمبود تحقیقات در زمینه شیوه‌های حاکمیت شرکتی در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه در کشورهای آفریقایی در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست.

همچنین کمیسیون اروپایی اتحادیه اروپا پروژه‌های متعددی را باهدف ایجاد درک مشترک از حاکمیت شرکتی انجام داده است. تاکنون هیچ تلاشی جهت ایجاد مقررات واحدی برای بهترین رویه‌های حاکمیت شرکتی که همه ایالت‌های عضو ملزم به پذیرش و انطباق با آن باشند، صورت نگرفته است و این امر بدان دلیل است که اتحادیه اروپا اعتقاد دارد که هماهنگ‌سازی باید پس از ایجاد نیاز برای آن صورت گیرد.

اصول حاکمیت شرکتی

اصول حاکمیت شرکتی که توسط سازمان همکاری توسعه اقتصادی در سال ۲۰۰۴ انتشار یافت به شرح زیر است:

۱ - اطمینان‌دهی از وجود مبنای برای یک چارچوب حاکمیت اثربخش:

چارچوب حاکمیت شرکتی باید شفافیت و کارایی بازار سرمایه را ارتقا دهد و همگام با مقررات قانونی باشد، به‌علاوه مسئولیت‌های مقامات نظارتی، قانون‌گذاران و سایر مقامات ذی‌صلاح قانونی را به یکدیگر وابسته سازد.

۲ - حقوق سهامداران و کارکردهای کلیدی مالکیت:

سازوکار حاکمیت شرکتی باید از حقوق سهامداران حفاظت نموده و اعمال این حقوق را تسهیل نماید.

۳ - همسانی رفتار با سهامداران:

سازوکار حاکمیت شرکتی باید اطمینان حاصل کند که رفتار همسان با کلیه سهامداران، از جمله سهامداران اقلیت و سهامداران خارجی به عمل می‌آید. همچنین کلیه سهامداران باید موقعیت درخواست غرامت از شرکت هنگام تخطی به حقوقشان را داشته باشند.

۴ - نقش سایر ذینفعان در حاکمیت شرکتی:

سازوکار حاکمیت شرکتی باید حقوق سایر ذینفعان را که توسط قوانین یا قراردادهای متقابل تعیین شده شناسایی کند و همکاری فعال بین شرکت و ذینفعان را در راستای خلق ارزش، اشتغال، حفاظت از وضعیت مالی مناسب واحد ایجاد نماید.

۵ - افشا و شفافیت:

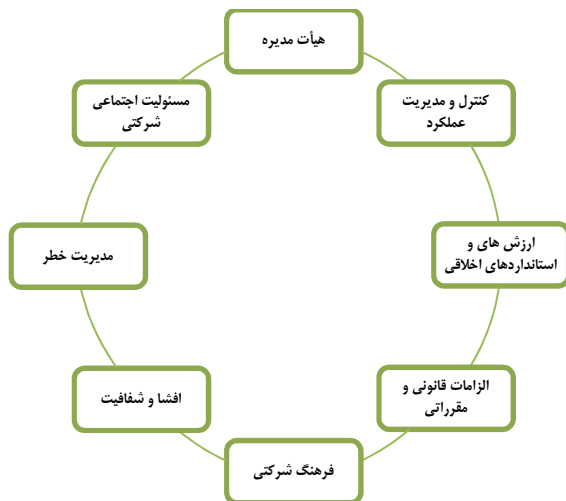
سازوکار حاکمیت شرکتی باید نسبت به افشای به‌موقع و صحیح تمامی موارد با اهمیت مربوط به شرکت از جمله وضعیت مالی، عملکرد و هدایت شرکت اطمینان دهد.

۶ - مسئولیت هیأت‌مدیره:

چارچوب حاکمیت شرکتی باید نسبت به حرکت در جهت استراتژی شرکت، نظارت مؤثر هیأت‌مدیره بر مدیریت، پاسخ‌گویی هیأت‌مدیره در مقابل شرکت و سهامداران اطمینان دهد.

اصول فوق نمادی از یک حاکمیت شرکتی خوب محسوب می‌شود. این اصول بر محور مفاهیم بنیادی همچون پاسخ‌گویی، کارایی، اثربخشی، درستکاری، منصفانه بودن، مسئولیت‌پذیری و عدالت استوار است. ساختار حاکمیت شرکتی باید اطمینان دهد کسانی که منافع شرکت را مدیریت می‌کنند به جهت استفاده کارآمد و اثربخش این منابع مورد نظارت واقع شده و پاسخ‌گو می‌باشند. ساختار حاکمیت شرکتی باید اعتماد جامعه و سهامداران را ارتقا دهد و اعتماد لازم درباره امور شرکت را از طریق افزایش شفافیت فرایند گزارشگری مالی و حسابرسی فراهم سازد.

نمودار زیر حوزه‌های مورد توجه حاکمیت شرکتی را نشان می‌دهد:



انواع سیستم‌های حاکمیت شرکتی

بررسی‌ها نشان می‌دهند که هر کشور دارای سیستم حاکمیت شرکتی منحصر به خود است؛ زیرا به اندازه کشورهای دنیا، سیستم حاکمیت شرکتی وجود دارد. سیستم حاکمیت شرکتی موجود در یک کشور با تعدادی عوامل داخلی از جمله ساختار مالکیت شرکت‌ها، وضعیت اقتصادی، سیستم قانونی، سیاست‌های دولتی و فرهنگ، معین می‌شود. ساختار مالکیت و چارچوب‌های قانونی از اصلی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عوامل سیستم حاکمیت شرکتی هستند.

همچنین عوامل خارجی از قبیل میزان جریان سرمایه از خارج به داخل، وضعیت اقتصاد جهانی، عرضه سهام در بازار سایر کشورها و سرمایه‌گذاری نهادی فرامرزی بر سیستم حاکمیت شرکتی موجود در یک کشور تأثیر دارند.

تلاش‌هایی برای طبقه‌بندی سیستم‌های حاکمیت شرکتی صورت گرفته که با مشکلاتی همراه بوده است. با این حال، یکی از بهترین تلاش‌ها که از پذیرش بیشتری نزد صاحب‌نظران برخوردار است، طبقه‌بندی معروف به سیستم‌های درون‌سازمانی و برون‌سازمانی است. عبارت درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تلاش‌هایی را برای توصیف دو نوع سیستم حاکمیت شرکتی، بین این دو گروه قرار می‌گیرند و در بعضی از ویژگی‌های آن‌ها مشترک‌اند. این دوگانگی حاکمیت شرکتی، ناشی از تفاوت‌هایی است که بین فرهنگ‌ها و سیستم‌های قانونی وجود دارند. با این همه، کشورها تلاش دارند تا این تفاوت‌ها را کاهش دهند و امکان دارد که سیستم‌های حاکمیت شرکتی در سطح جهانی به هم نزدیک شوند.

حاکمیت شرکته درون‌سازمانی

حاکمیت شرکته درون‌سازمانی، سیستمی است که در آن شرکت‌های فهرست‌بندی شده یک کشور تحت مالکیت و کنترل تعداد کمی از سهامداران اصلی هستند. این سهامداران ممکن است اعضای خانواده مؤسس (بنیان‌گذار) یا گروه کوچکی از سهامداران مانند بانک‌های اعتباردهنده، شرکت‌های دیگر یا دولت باشند. به سیستم‌های درون‌سازمانی به دلیل روابط نزدیک رایج میان شرکت‌ها و سهامداران عمده آن‌ها، سیستم‌های رابطه‌ای نیز گفته می‌شود.

هرچند در مدل حاکمیت شرکته درون‌سازمانی به واسطه روابط نزدیک میان مالکان و مدیران، مشکل نمایندگی کمتری وجود دارد ولی مشکلات جدی دیگری پیش می‌آید. به واسطه سطح تفکیک ناچیز مالکیت و کنترل (مدیریت) در بسیاری از کشورها (مثلاً به دلیل مالکیت خانواده‌های مؤسس) از قدرت سوءاستفاده می‌شود. سهامداران اقلیت نمی‌توانند از عملیات شرکت آگاه شوند. شفافیت کمی وجود دارد. و وقوع سوءاستفاده محتمل به نظر می‌رسد. معاملات مالی، مبهم و غیر شفاف است و افزایش سوءاستفاده از منابع مالی، نمونه‌هایی از سوءجریان‌ها در این سیستم‌ها شمرده می‌شوند.

درواقع، در بسیاری از کشورهای آسیای شرقی، ساختارهای تمرکز افراطی مالکیت و نقاط ضعف مربوط به حاکمیت شرکته به خاطر شدت بحران آسیایی در سال ۱۹۹۷ موردانتقاد قرار گرفته‌اند. در زمان بحران آسیایی، سیستم‌های حاکمیت شرکته در کشورهای آسیایی شرقی به‌جای مدل برون‌سازمانی بیشتر در گروه درون‌سازمانی قرار داشتند. حمایت قانونی ضعیف‌تر از سهامداران اکثریت امکان داد تا هنگام بحران به اختلاس و سوءاستفاده از ثروت سهامداران اقلیت بپردازند. بررسی‌های بعدی نشان می‌دهد که چگونه چند کشور از آسیای شرقی، تلاش کرده‌اند تا سیستم‌های حاکمیت شرکته خود را از طریق تغییر در قانون شرکت‌ها از زمان بحران آسیایی اصلاح کنند.

سازوکارهای درون سازمانی:

این سازوکارها در نگاهی کوتاه عبارت‌اند از:

۱. هیأت‌مدیره: انتخاب و استقرار هیأت‌مدیره توانمند، خوش‌نام و بی‌طرف
۲. مدیریت اجرایی: تقسیم مسئولیت‌ها بین مدیریت اجرایی و استقرار نرم‌افزارهای مناسب
۳. مدیریت غیر اجرایی: ایجاد کمیته‌های هیأت‌مدیره از مدیران مستقل و غیر اجرایی (شامل کمیته حسابرسی، حقوق و ...)
۴. کنترل‌های داخلی: طراحی، تدوین و استقرار کنترل‌های داخلی مناسب
۵. اخلاق سازمانی: تدوین و گسترش آیین رفتار حرفه‌ای و اخلاق سازمانی



حاکمیت شرکتهای برون‌سازمانی

عبارت برون‌سازمانی به سیستم‌های تأمین مالی و حاکمیت شرکتی اشاره دارد. در این سیستم‌ها، شرکت‌های بزرگ توسط مدیران کنترل می‌شوند و تحت مالکیت سهامداران برون‌سازمانی یا سهامداران خصوصی قرار دارند. این وضعیت منجر به جدایی مالکیت از کنترل (مدیریت) می‌شود. اگرچه در سیستم‌های برون‌سازمانی، شرکت‌ها مستقیماً توسط مدیران کنترل می‌شوند، اما به‌طور غیرمستقیم نیز تحت کنترل اعضای برون‌سازمانی قرار دارند. اعضای مذکور، نهادهای مالی و همچنین سهامداران خصوصی هستند. در آمریکا و بریتانیا، سرمایه‌گذاران نهادی بزرگ که مشخصه سیستم برون‌سازمانی هستند، تأثیر چشمگیری بر مدیران شرکت‌ها دارند.^۱

سازوکارهای برون‌سازمانی عبارت‌اند از:

۱. نظارت قانونی: تدوین، تصویب و استقرار قوانین نظارتی مناسب.
۲. نظام حقوقی: برقراری نظام حقوقی مناسب.
۳. کارایی بازار سرمایه: گسترش بازار سرمایه و تقویت کارایی آن.
۴. نظارت سهامداران عمده: ایجاد انگیزه در سهامداران به فعالیتهایی از قبیل خرید سهام کنترلی.

۱- با عنایت به ویژگی‌های سیستم‌های حاکمیت شرکتی به نظر می‌رسد حاکمیت شرکتی در ایران بیشتر به سیستم درون‌سازمانی نزدیک‌تر است. با توجه به وجود بازار سرمایه و تلاش‌های انجام‌شده در مورد گسترش آن، سیستم حاکمیت شرکتی درون‌سازمانی در ایران مطرح است و موضوعیت دارد. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه کشور، به خصوصی‌سازی عنایت ویژه‌ای شده است. بنابراین به نظر می‌رسد در صورت دستیابی به اهداف خصوصی‌سازی و افزایش سهامداران و ذی‌نفعان شرکت‌ها، سیستم حاکمیت شرکتی در کشور ما با توجه به تجربه سایر کشورها که به خصوصی‌سازی دست‌زده‌اند، به سمت سیستم برون‌سازمانی تغییر جهت دهد.

۵. نقش سهامداران نهادی: تشویق و گسترش سرمایه‌گذاری نهادی.
۶. نظارت سهامداران اقلیت: احترام به حقوق سهامداران اقلیت و مجاز بودن نظارت اقلیت بر فعالیت شرکت.
۷. الزامی کردن حسابرسی مستقل: با توجه به نقش برجسته نظارتی آن.
۸. فعالیت مؤسسات رتبه‌بندی: ایجاد تسهیلات برای فعالیت مؤسسات رتبه‌بندی.

جدول (۱) مشخصات سیستم‌های درون‌سازمانی و برون‌سازمانی حاکمیت شرکتی

برون‌سازمانی	درون‌سازمانی
شرکت‌های بزرگ تحت کنترل مدیران اما تحت مالکیت سهامداران برون‌سازمانی هستند.	شرکت‌ها تحت مالکیت سهامداران درون‌سازمانی که همچنین بر مدیران نیز کنترل دارند.
سیستم دارای مشخصه تفکیک مالکیت و کنترل (مدیریت) که موجب مشکلات نمایندگی بااهمیت می‌شود.	سیستم‌هایی با مشخصات عدم تفکیک مالکیت و کنترل (مدیریت) به‌طوری که مشکلات نمایندگی به‌ندرت دیده می‌شود.
تصاحب خصمانه به‌عنوان یک سازوکار انضباطی برای مدیر شرکت وجود دارد.	عملکرد تصاحب خصمانه به‌ندرت دیده می‌شود.
مالکیت پراکنده است.	تمرکز مالکیت در گروه کوچک از سهامداران (اعضای مؤسس، شرکت مادر، مالکیت دولتی)
کنترل توسط گروه کثیری از سهامداران	کنترل بیش‌ازحد گروه کوچک از سهامداران درون‌سازمانی
عدم انتقال ثروت از سهامداران اقلیت به سهامداران اکثریت	انتقال ثروت از سهامداران اقلیت به سهامداران اکثریت
حمایت قوی از سرمایه‌گذار در قانون شرکت	حمایت ضعیف از سرمایه‌گذار در قانون شرکت
امکان برقراری دموکراسی بین سهامداران	امکان سوءاستفاده از قدرت توسط سهامداران اکثریت
سهامداران با مشخصه راهبرد خروج به‌جای راهبرد اظهارنظر	اکثریت سهامداران تمایل دارد که در شرکت‌هایی که سرمایه‌گذاری کرده‌اند، خود حق اظهارنظر داشته باشند.

هریک از سازوکارهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، بر فرآیندها و فعالیت‌های شرکت‌ها نظارت دارند و موجب ارتقای پاسخ‌گویی و دستیابی به سایر هدف‌های نظام راهبری شرکتی می‌شوند.

پاسخ‌گویی

پاسخ‌گویی جوهره وجودی حاکمیت شرکتی است. همان‌طور که گفته شد، هدف نهایی حاکمیت شرکتی دستیابی به چهار مورد پاسخ‌گویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان در شرکت‌ها است. پاسخ‌گویی، شاه‌بیت هدف‌های حاکمیت شرکتی است. با پاسخ‌گویی مناسب شرکت‌ها، سه هدف دیگر (شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان) حاصل می‌شود. به عبارت دیگر، «چو که صد آمد نود هم پیش ماست.» به همین دلیل تعداد زیادی از صاحب‌نظران، پاسخ‌گویی را جوهره حاکمیت شرکتی مناسب می‌دانند.

یافتن پاسخ دقیق درباره میزان اعتقاد و پایبندی مدیران واحدهای اقتصادی ایران به پاسخ‌گویی، نیازمند انجام تحقیق جدی و گسترده است و بررسی دقیق متغیرهای فرهنگی، اقتصادی و سایر متغیرهای مداخله‌گر در این مورد ضروری است. با این‌همه با بررسی اجمالی وضعیت بازار سرمایه، ساختار مالکیت شرکت‌ها و تفکیک ناچیز مالکیت از مدیریت و نزدیکی سیستم حاکمیت شرکتی در ایران به سیستم درون‌سازمانی، به نظر می‌رسد پاسخ‌گویی نزد برخی از مدیران واحدهای اقتصادی ضرورتی نداشته و از اهمیت لازم برخوردار نیست. اصولاً در این‌گونه سیستم‌های حاکمیت شرکتی به دلیل تحقق نیافتن تفکیک محتوایی مالکیت از مدیریت و تأثیر سایر عوامل محیطی، پاسخ‌گویی در سطح پایینی است. دور نبودن فیزیکی و ذهنی سهامدار عمده از شرکت در این مورد نقشی اساسی ایفا می‌کند و در نتیجه پاسخ‌گویی به‌مثابه وظیفه مدنظر مدیران حرفه‌ای نیست. در نتیجه فقط الزام قانونی، موجب رعایت آن در حدود الزام قانونی است. الزام قانونی به حسابرسی، تهیه اطلاعات موردنیاز بورس اوراق بهادار از موارد الزام قانونی به پاسخ‌گویی در ایران است. با عنایت به موارد پیش‌گفته، یادآوری این نکته ضروری است که سازمان حسابرسی و اخیراً حسابداران

گرچه می‌توان دلایل متعددی را برای پدید آمدن فساد شرکتی عنوان نمود اما حاکمیت شرکتی ضعیف منشأ اصلی رفتارهای فسادآلود در درون شرکت‌هاست. شواهد موردنیاز برای حمایت از این فرضیه برگرفته از تجزیه و تحلیل رسوایی‌های دو شرکت عمده - که به نحو بی‌سابقه‌ای دچار فساد شرکتی شده بودند - در سال‌های اخیر است که نشانگر وجود نارسایی‌هایی در سیستم حاکمیت شرکتی، شرکت‌ها را نمایان می‌ساخت.

حاکمیت شرکتی یکی از مؤثرترین ابزارها در زمینه پیشگیری و کاهش فعالیت‌های فسادآلود در درون شرکت‌ها و نیز بین شرکت‌هاست. دیدگاه مذکور از طریق اقدامات متقابل تنظیمی همانند کنوانسیون‌های بین‌المللی و همچنین از طریق پیشنهاد‌های موجود در اصول و دستورالعمل‌های حاکمیت شرکتی مورد پشتیبانی واقع می‌شود.

با توجه به بزرگ و پیچیده‌تر شدن معاملات واحدهای تجاری و تخصصی شدن مدیریت در دنیای کنونی از کنترل سهامداران بر فعالیت‌های شرکت کاسته شده، بنابراین قسمت عمده‌ای از مسئولیت‌ها بر دوش مدیران شرکت‌ها گذارده می‌شود. طبق قوانین موجود، سهامداران مالک شرکت‌ها و مدیران، به نمایندگی از آنان باید منابع شرکت را به صورتی تخصیص دهند که بالاترین عایدی نصیب سهامداران شود. حال با توجه به شکست‌های تجاری و افشا شدن فسادهای مالی اخیر، حقایق حاکی از آن است که در شرکت‌ها، برخی از مدیران بیشتر به دنبال منافع خود بوده‌اند تا منافع سهامداران و ذی‌نفعان، برای حل این مشکل، قدرتمندسازی نظارت‌ها و کنترل‌ها روی عملکرد سهامداران و هیأت‌مدیره و بازتعریف روابط منطقی فی‌مابین مالکان، مدیران و ناظران بهترین روش کنترلی خواهد بود. این نظارت‌ها باعث خواهد شد مقررات دست‌وپا گیر و اضافی که به دلیل نبود اطمینان میان سهامداران و مدیران مطرح شده کاهش یابد. هدف اصلی حاکمیت شرکتی، تعیین کنترل‌ها و نظارت‌های صحیح

فی مابین سهامداران، هیأت‌مدیره و مدیران اجرایی است؛ بنابراین، چنانچه در شرکت‌ها به موضوع اصول حاکمیت شرکتی توجه مناسب نشود، چارچوبی منطقی برای ایجاد اعتماد بلندمدت میان تصمیم‌گیران شرکت و ذی‌نفعان فراهم نخواهد شد.

اهمیت حاکمیت شرکتی در اقتصادهای در حال گذار

توسعه اقتصادهای بازار در اروپای مرکزی و شرقی و دستیابی قریب‌الوقوع برخی از این کشورها به عضویت اتحادیه اروپا این دیدگاه را تقویت کرده است که حاکمیت شرکتی دارای اهمیتی اساسی برای فرآیند تحول و گذار، بازسازی اقتصادی و رشد کشورهای سوسیالیستی است. برخی معتقدند که حاکمیت شرکتی مؤثر یا از طریق یک چارچوب قانونی پیشرفته و بازار سرمایه فعال ایجاد می‌شود یا از طریق مالکیت متمرکز. این تحلیل با تأکید بیشتر بر اثربخشی و تأثیر نهادهای قانونی و تأمین مالی خارجی، به اقتصادهای در حال گذار بسط داده شد. حاکمیت شرکتی اثربخش یک عامل بنیادی در فرآیند بازسازی اقتصادهای در حال گذار است. این سیستم با تطبیق دادن و تنظیم کردن تضاد منافع و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه و متقلبانه عملکرد شرکت‌ها را بهبود می‌بخشد، کیفیت اطلاعات موجود برای مشارکت‌کنندگان در بازار سرمایه را ارتقا داده و دستیابی به سرمایه خارجی را تسهیل می‌کند. تمام اقتصادهای در حال گذار، پیشرفت‌های زیادی در بسط چارچوب حاکمیت شرکتی داشته‌اند و به سمت انطباق با اصول سازمان توسعه و همکاری به صورت اختیاری یا اجباری حرکت کرده‌اند.

مجاری رعایت اصول حاکمیت شرکتی

رعایت اصول حاکمیت شرکتی در وهله اول به وسیله تدوین قوانین قدرتمند، منطقی و پایدار، بازارهای مالی مناسب و شفاف و عزم هیأت‌مدیره و مدیران در اجرای آن وابسته خواهد بود. اصولاً تاریخ گذشته بیانگر این موضوع است که بروز شکست‌های مالی و کشف تقلبات بزرگ در کشورهای مختلف باعث تدوین و تنظیم قوانین و مقررات سختگیرانه علیه شرکت‌ها شده است. افزایش قانون‌گذاری موجبات پیدایش مراجع نظارتی، تدوین و تنظیم استانداردهای جدید حسابداری و حسابرسی شده است. به موجب قانون ساربینز-اُکسلی، برای تخلفات متقلبانه تا ۲۰ سال زندانی پیش‌بینی شده، همچنین این قانون موجبات پیدایش مرجع نظارتی قدرتمندی به نام هیأت نظارت حسابداری شرکت‌های سهامی عام برای نظارت بر حرفه حسابداری و حسابرسی را فراهم کرد. وظیفه این هیأت، تهیه استانداردهای جدید حسابرسی، تعیین اصول حسابداری موردنیاز، تدوین استانداردهای کنترل کیفیت حسابرسان و انتشار آیین رفتار حرفه‌ای است. نگاهی اجمالی به متن قانون ساربینز-اُکسلی نشان می‌دهد این قانون دارای گستردگی قابل توجهی در بحث حاکمیت شرکتی است که برخی از مهم‌ترین بخش‌های آن عبارت‌اند از:

- ۱- اصول نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام دارای ۹ بخش
- ۲- مبحث استقلال حسابرسان دارای ۹ بخش مجزا
- ۳- مسئولیت شرکت‌ها، هیأت‌مدیره و مدیران دارای ۸ جزء
- ۴- مقررات مرتبط با افشای اطلاعات در ۹ جزء
- ۵- تجزیه و تحلیل تضاد منافع هیأت‌مدیره و مدیران در چهار جزء
- ۶- اختیارات هیأت نظارت بر اوراق بهادار در ۵ جزء
- ۷- اصول گزارشگری شفاف در ۵ جزء

- ۸- مسئولیت پاسخ‌گویی در قبال تخلفات و تقلبات در ۷ جزء
- ۹- تشریح مجازات کارکنان یقه‌سفید (آن‌ها که در جرایم شریک می‌شوند) در ۶ جزء
- ۱۰- مزایای مالیاتی شرکت‌ها و مدیران
- ۱۱- تقلبات شرکت‌ها و پاسخ‌گویی در برابر آن

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ابتدا قوانین باعث تقویت سیستم حاکمیتی شده و استانداردهای حسابداری و حسابرسی نیز به‌عنوان اهرم نظارتی برای نظارت بر بازارهای مالی، خود به‌نوعی در اعمال ضمانت اجرایی مؤثر واقع شده‌اند. به این ترتیب تدوین قوانین و استانداردها لزوماً تنها عامل رعایت اصول حاکمیت شرکتی نخواهند بود.

مشکلات اجرایی کردن حاکمیت شرکتی

الف- نظام حاکمیت شرکت‌ها باید هم‌خوانی لازم با قوانین تدوین‌شده از جمله قانون تجارت را داشته باشد. اصول حاکمیت مطرح‌شده فارغ از مغایرت ساختاری با قانون تجارت، درنهایت یک آیین‌نامه است و ضمانت اجرایی لازم را نخواهد داشت. به این ترتیب ضروری است تمهیدات لازم برای قانونمند کردن اصول حاکمیت شرکتی و تدوین راهکارهای اجرایی آن اتخاذ شود.

ب- به نظر می‌رسد قبل از تدوین آیین‌نامه و لازم‌الاجرا کردن آن ضروری بود ابتدا ساختار مدیریتی و مالکیتی شرکت‌های تحت پوشش این آیین‌نامه در ایران، دقیق‌تر مطالعه و بررسی می‌شد. از این منظر این آیین‌نامه می‌توانست بومی‌تر و با توجه به فرهنگ سازمانی غالب در شرکت‌های ایرانی تدوین شود.

ج- ضوابط اجرایی و مجازات عدم رعایت الزامات اصول حاکمیت شرکتی به‌صورت واضح و روشن تبیین و ابلاغ نشده است.

در این میان، وضعیت بازار سرمایه، ساختار مالکیت شرکت‌ها و تفکیک ناچیز مالکیت از مدیریت و غلبه اقتصاد دولتی در ایران، باعث شده است تا پاسخ‌گویی و رعایت اصول حاکمیت شرکتی نزد بسیاری از مدیران واحدهای اقتصادی ضرورتی نداشته و از اولویت لازم برخوردار نباشد. تا زمانی که چنین فرهنگی تعدیل نشود و حاکمیت شرکتی توسط دولت به عنوان ذی‌نفع اصلی از این موضوع مهم، پذیرفته و اجرا نگردد، عملاً در شرکت‌های ما نیز توجه به این اصل کمرنگ‌تر خواهد بود. در حال حاضر در بانک‌ها، بیمه‌ها، صنایع نفتی و پتروشیمی که بیشتر مالکیت در اختیار دولت است، حاکمیت شرکتی به صورت کامل به اجرا گذارده نشده است. در ساختار کنونی، به دلیل فقدان شفافیت در گزارشگری و فرمایشی بودن نظارت‌ها و کنترل‌ها همواره مخاطرات مختلف، وضعیت مالی شرکت‌ها را تهدید می‌کنند.

هدف اصلی قانون حاکمیت شرکتی «شفاف‌سازی و پاسخ‌گویی» در بازار سرمایه است. لذا چنانچه در کشوری به موضوع پاسخ‌گویی و شفافیت توجهی نشود و یا اساساً موضوع حکمرانی خوب مطرح نباشد، آیین‌نامه حاکمیتی شرکت‌ها کارساز نخواهد بود. چون سازوکار حاکمیت شرکتی برخورد جدی با تخلفات شرکت‌ها و مدیران آن‌ها است که در این مورد در ایران سابقه خاصی وجود ندارد. لذا چنانچه بخواهیم با این آیین‌نامه هم سیاسی برخورد کنیم راه به جایی نمی‌برد. همان طوری که یک دولت که باید پاسخ‌گوی اعمال خود به شهروندان باشد، یک شرکت هم باید پاسخ‌گوی عملکرد خود به سهامداران، مشتریان، کارکنان و به طور کلی عموم مردم باشد و بر همین اساس چون مدیران شرکت‌ها مسئولیت مستقیم پاسخ‌گویی را عهده‌دار هستند، باید اطلاعات خاصی را برای پاسخ‌خواه به موقع فراهم نمایند.

حاکمیت شرکتی در ایران

در ایران نیز هرچند از اوایل دهه ۱۳۴۰ بورس اوراق بهادار تأسیس شد و در قانون تجارت و به‌ویژه در لایحه اصلاحی اسفندماه ۱۳۴۷ در موارد مرتبط با نحوه تأسیس و اداره شرکت‌ها تاحدودی مطرح شده بود، ولی موضوع حاکمیت شرکتی با مفهوم کنونی آن، در چند سال اخیر مطرح شده است. این موضوع در اوایل دهه ۸۰ و در مصاحبه‌های مسئولان وقت سازمان بورس اوراق بهادار و در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مطرح و بررسی می‌شد و در وزارت امور اقتصادی و دارایی کمیته‌ای به موضوع حاکمیت شرکتی پرداخته بود.

موضوع حاکمیت شرکتی نخستین بار در اجلاس ملی «بازار سرمایه، موتور محرک توسعه اقتصادی ایران» که توسط دانشگاه علامه طباطبایی در ۷ و ۸ آذرماه ۱۳۸۳ در مرکز همایش‌های رازی برگزار گردید، در مقاله «حاکمیت شرکتی و نقش آن در توسعه بازار سرمایه» ارائه شد و پس از آن در مقطع دکتری حسابداری در درس توسعه عقاید و افکار حسابداری و حسابرسی تدریس می‌شود. متعاقب آن، موضوع در دو سمینار «گزارشگری مالی و تحولات پیش‌رو» و «نظام حاکمیت شرکتی و حسابرسی داخلی» به ترتیب در ۸ و ۹ دی‌ماه ۱۳۸۳ و ۳۰ آبان و اول آذرماه ۱۳۸۴ در مرکز همایش‌های رازی به همت انجمن حسابداران خبره ایران ارائه شد. به دنبال آن در اواخر سال ۱۳۸۳ مرکز تحقیقات و توسعه بازار سرمایه سازمان بورس اوراق بهادار دست به انتشار ویرایش اول آیین‌نامه حاکمیت شرکتی زد که در پایگاه اطلاع‌رسانی بورس اوراق بهادار در دسترس است. این آیین‌نامه در ۲۲ ماده و دو تبصره تنظیم شده و شامل تعاریف، وظایف هیأت‌مدیره، سهامداران، افشای اطلاعات و پاسخ‌گویی و حسابرسی است. این آیین‌نامه با توجه به ساختار مالکیت و وضعیت بازار سرمایه و با نگرش به قانون تجارت حاضر تنظیم شده و با سیستم درون‌سازمانی (رابطه‌ای) حاکمیت شرکتی سازگار است. انتشار این آیین‌نامه یادآور تلاش ارزنده‌ای است که

بررسی و تجدیدنظر در برخی از موارد آن، می‌تواند در توسعه بازار سرمایه نقش مؤثری ایفا کند. به نظر می‌رسد که در اصلاحیه قانون تجارت، توجه کافی و بایسته‌ای به موضوع حاکمیت شرکتی نشده است.

همچنین با توجه به چالش‌هایی که در نظام بنگاهداری ایران در زمینه حاکمیت شرکتی وجود دارد، کمیسیون حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی بنگاه‌های اتاق ایران پیشنهادهایی را در این زمینه مطرح کرده تا مقدمات اصلاح نظام بنگاهداری ایران آغاز شود که شامل این موارد است:

۱- سازمان بورس و بانک مرکزی موظف هستند تا پایان سال ۱۳۹۵ دستورالعمل حاکمیت شرکتی را در بازار سهام و اوراق بهادار و بازار پولی کشور به تصویب رسانده و سازوکارهای لازم را برای اجرایی کردن آن با همکاری شورای گفت‌وگو و اتاق بازرگانی ایران و سازمان‌های غیردولتی فعال در این زمینه فراهم کنند.

۲- کلیه شرکت‌های بورس باید نظام حاکمیت شرکتی خود را بازسازی کرده و مطابق با بهترین عملکردهای حاکمیت شرکتی عمل کنند، به گونه‌ای که در مقابل سهامداران و ذی‌نفعان خود پاسخ‌گو باشند.

۳- وزارت اقتصاد موظف است تا پایان سال ساختار و نظام راهبری شرکت‌های دولتی را مطابق با بهترین عملکردهای حاکمیت شرکتی تطبیق دهد و ترکیب هیأت‌مدیره شرکت‌های دولتی باید به طریقی باشد که اعضا بتوانند قضاوت و تصمیم‌گیری مستقلی داشته باشند و اقداماتی مؤثر را در اجرای اهداف شرکت انجام دهند. مدیران غیرموظف و شایسته‌ای که قادر به تصمیم‌گیری مستقل هستند به تعداد کافی در هیأت‌مدیره حضور داشته

باشند. این افراد باید از مهارت و شایستگی کافی برخوردار بوده و از بخش خصوصی انتخاب شوند.

۴- به منظور تحقق بند ت ماده ۱۱ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار، وزارت اقتصاد با همکاری شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی موظف‌اند در راستای ارتقای فرهنگ اقتصادی و اخلاق کسب و کار، طرح‌هایی را در زمینه نظام راهبری بنگاه‌های اقتصادی (حاکمیت شرکتی) و مسئولیت اجتماعی و اخلاقی بنگاه‌های اقتصادی تدوین کرده و به مجلس ارائه دهند.

۵- انتصاب هیأت‌مدیره در شرکت‌های دولتی باید ساختاری شفاف و واضح داشته باشد و بر مبنای ارزیابی مهارت‌های مختلف، شایستگی‌ها و تجربه موردنیاز شکل گیرد. این صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها باید توسط ارزیابی نیازهای هیأت‌مدیره که با استراتژی‌های بلندمدت شرکت مطابق هستند، مشخص شوند.

۶- تمامی بنگاه‌های اقتصادی و سازمان‌ها باید تلاش کنند در چارچوب مسئولیت‌های اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و اخلاقی عمل کنند که از طریق استانداردهای قانونی، داوطلبانه، ملی و بین‌المللی توسعه و بسط یافته است.

۷- سازمان استاندارد با همکاری سازمان‌های ذی‌ربط باید زمینه تدوین استاندارد کسب و کار مسئولانه را به‌عنوان یک استاندارد داوطلبانه فراهم آورد تا بنگاه‌های اقتصادی نیز بازیگری در حل چالش‌های کلیدی کشور شوند. درنهایت باید به این موضوع توجه شود که بدون حاکمیت شرکتی، جهانی‌شدن، گسترش خصوصی‌سازی و رقابت با بنگاه‌های داخلی و خارجی، مختل، غیرممکن و محکوم به شکست است.

نکات مهم آیین نامه حاکمیت شرکتی

سازمان بورس اوراق بهادار با تصویب آیین نامه اصول حاکمیت شرکتی روش‌های نظارت و کنترل بر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را مورد توجه قرار داده است. نکات مهم این آیین نامه به شرح ذیل است:

۱- ترکیب اعضای هیأت‌مدیره که اکثریت آن باید از اعضای غیرموظف باشد. مضافاً این که تفکیک سمت مدیرعامل از ریاست هیأت‌مدیره شرکت‌ها و سازمان‌ها.

۲- حداقل ۲ نفر از اعضای هیأت‌مدیره باید از مدیران مستقل باشند و یک نفر از اعضای هیأت‌مدیره باید دارای دانش و تجربه مالی باشد.

۳- تعیین مدیر مستقل که می‌بایستی منصوب سهامدار عمده در مجمع یا نماینده او نباشد، منصوب گروهی از سهامداران که در مجمع، اتحاد بیش از ۵۰ درصد از حاضرین را تشکیل می‌دهد نباشد، ارتباط تجاری مستقیم یا غیرمستقیم با شرکت اصلی و شرکت تابعه نداشته باشد، بیش از سه دوره عضو هیأت‌مدیره شرکت نبوده باشد و هیچ‌گونه مسئولیت اجرایی نداشته باشد.

۴- الزام داشتن کمیته حسابرسی و کمیته انتصابات.

۵- الزام به برقراری یک سیستم کنترل داخلی مناسب توسط هیأت‌مدیره.

۶- تفکیک سهامداران به سهامدار عمده، سهامدار جزء و اقلیت.

۷- ارائه اطلاعات از قبیل تجزیه و تحلیل بخش‌های مختلف عملیاتی، شرایط رقابتی و رعایت اصول حاکمیتی شرکتی.

۸- افشای کلیه دریافت‌های هیأت‌مدیره در گزارش سالانه.

مزایای آیین نامه حاکمیت شرکته

در حال حاضر سهامداران جزء هیچ گونه ابزاری جهت نظارت بر مدیران و حتی اطلاع از مصوبات هیأت مدیره و دسترسی به صورت های مالی کامل ندارند در حالی که در آیین نامه حاکمیت شرکته پیش بینی شده که شرکت های بورسی (که مشمول آیین نامه حاکمیتی شرکت ها می شوند) باید دارای پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی باشند و کلیه اخبار و آمار و اطلاعات مالی را به موقع در اختیار همه سهامداران بگذارند و در هیأت رئیسه مجمع و همچنین در هیأت مدیره شرکت نیز از بین سهامداران جزء نیز نماینده وجود داشته باشد تا احتمال تخلف کمتر شود. مضافاً بر آن که حاکمیت شرکته در واقع به نوعی محدودیت برای سهامداران عمده و دسترسی سهامداران جزء به اطلاعات و اعمال کنترل مدیریت است. مزایای آیین نامه حاکمیت شرکته شفاف سازی اطلاعات، رعایت یکسان حقوق صاحبان سهام، برقراری سیستم کنترل های داخلی و ارتقای رابطه حساب رسان مستقل با شرکت است.

راهکارهای توسعه حاکمیت شرکته در ایران

اقتصاد ما به دلیل فقدان نظام حاکمیت شرکته به بحران هایی رسیده که اگر در این خصوص اقدام عاجل انجام نشود نمی توان از این وضعیت نجات پیدا کرد. بخش عمده ای از مشکلات اقتصادی از جمله مطالبه معوقات سیستم بانکی و تأخیر در انجام پروژه های زودبازده به دلیل فقدان نظام حاکمیت شرکته است؛ بنابراین لازم است در برنامه ششم توسعه اقتصادی بخش جامعی در خصوص حاکمیت شرکته گنجانده شود. تا تدوین برنامه ششم توسعه لازم است نظرات در قالب های مشخص به مجلس اعلام شود تا در گروه های مرتبط با تدوین برنامه ششم این بخش خاص و پراهمیت در خصوص حاکمیت شرکته در قانون برنامه ششم جای بگیرد.

چنانچه این مهم به قانون تبدیل شود و شرکت‌ها را مجبور کند که به حاکمیت شرکتی تن بدهند اقتصاد ما به اقتدار مطلوب نزدیک می‌شود و تمامی مشکلاتی که از فقدان این موضوع وجود دارد از بین می‌رود.

الف - تقویت اعتقاد دولت و قانون‌گذاران به ضرورت اجرای حاکمیت شرکتی در ساختار اقتصادی دستگاه‌ها و سازمان‌ها و افزایش فرهنگ مسئولیت پاسخ‌گویی در بین مسئولان و مدیران.

ب - تدوین قوانین و مقررات اصول حاکمیت شرکتی و کاهش تضاد بین قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی.

ج - تشکیل کارگروه‌های تخصصی اجرا و نظارت بر اجرای هدفمند حاکمیت شرکتی در سازمان‌های بزرگ دولتی.

د - نظارت بر اجرای صحیح حاکمیت شرکتی و تعیین آیین‌نامه انضباطی مجازات تخلف و تقویت ضمانت‌های اجرایی.

نتیجه‌گیری

حاکمیت شرکتی عنصر حیاتی در ازبین بردن چرخه معیوب ارتشاء و فساد است. چرخه معیوب هنگامی شروع می‌شود که شرکت‌ها به دلیل سطح بالایی از فساد مجبور به اقدامات آلوده به ارتشاء می‌شوند اما مشارکت گسترده شرکت در اقدامات آلوده به ارتشاء منجر به ادراک سطح بالایی از فساد خواهد شد که این امر به نوبه خود اقدامات آلوده به ارتشاء را غیرقابل کنترل می‌کند. مطالعات صورت گرفته درباره پیوند بین حاکمیت شرکتی و فساد، حاکی از آن است که بهبود حاکمیت شرکتی می‌تواند به عنوان تسهیل‌گری برای از بین بردن چرخه معیوب ارتشاء و فساد عمل نماید.

سهامداران و سرمایه‌گذاران در کشورهایی که با سطح بالایی از فساد مواجه‌اند ممکن است از بهبود حاکمیت شرکتی سود مضاعفی داشته باشند. شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی بهتر از چشم‌انداز رشد و بهای بیشتری در بازار برخوردارند. درعین حال حاکمیت شرکتی خوب به کاهش اقدامات آلوده به ارتشاء در سطح شرکتی کمک می‌کند که به‌طور بالقوه می‌تواند باعث افزایش بهای شرکت‌ها شود.

در سطح کشوری، بهبود حاکمیت شرکتی می‌تواند به کشورهای دارای سطح بالایی از فساد کمک نماید تا تبعات منفی ادراک فساد در جریان سرمایه (هم جریان سرمایه مالی و هم انسانی) را جبران نماید و سرمایه افزوده^۱ ناشی از بهبود حاکمیت شرکتی خوب به عنوان کاتالیزوری در خدمت بهبود بیشتر هم حاکمیت شرکتی و هم حاکمیت در بخش عمومی مورد استفاده قرار گیرد.

از طرف دیگر حاکمیت شرکتی بد ممکن است به تضعیف کارایی کارزارهای جهانی مبارزه با فساد در عصر جهانی شدن منجر شود. یافته‌ها نشان می‌دهد شرکت‌های مستقر در کشورهای دارای استانداردهای حاکمیت شرکتی ضعیف‌تر، به هنگام صدور کالا و خدمات به کشورهای دیگر بیشتر در معرض دخالت در اقدامات

آلوده به ارتشاء قرار دارند؛ بنابراین بهبود حاکمیت شرکتی در برخی کشورهای صادرکننده عمده باید در رأس اولویت‌های کارزارهای جهانی مبارزه با فساد قرار گیرد.

با توجه به بزرگ و پیچیده‌تر شدن معاملات واحدهای تجاری و تخصصی شدن مدیریت در دنیای کنونی، از کنترل سهامداران بر فعالیت‌های شرکت کاسته شده، بنابراین قسمت عمده‌ای از مسئولیت‌ها بر دوش مدیران شرکت‌ها گذارده می‌شود. طبق قوانین موجود، سهامداران مالک شرکت‌ها و مدیران، به نمایندگی از آنان باید منابع شرکت را به صورتی تخصیص دهند که بالاترین عایدی نصیب سهامداران شود. حال با توجه به شکست‌های تجاری و افشا شدن فسادهای مالی اخیر، حقایق حاکی از آن است که در شرکت‌ها، برخی از مدیران بیشتر به دنبال منافع خود بوده‌اند تا منافع سهامداران و ذی‌نفعان، برای حل این مشکل، قدرتمندسازی نظارت‌ها و کنترل‌ها روی عملکرد سهامداران و هیأت‌مدیره و بازتعریف روابط منطقی فی‌مابین مالکان، مدیران و ناظران بهترین روش کنترلی خواهد بود. این نظارت‌ها باعث خواهد شد مقررات دست‌وپا گیر و اضافی که به دلیل نبود اطمینان میان سهامداران و مدیران مطرح شده کاهش یابد. هدف اصلی حاکمیت شرکتی، تعیین کنترل‌ها و نظارت‌های صحیح فی‌مابین سهامداران، هیأت‌مدیره و مدیران اجرایی است؛ بنابراین، چنانچه در شرکت‌ها به موضوع اصول حاکمیت شرکتی توجه مناسب نشود چارچوبی منطقی برای ایجاد اعتماد بلندمدت میان تصمیم‌گیران شرکت و ذی‌نفعان فراهم نخواهد شد.

پاسخ‌گویی به عنوان یکی از اهداف کلیدی و جوهره حاکمیت شرکتی، موجب مسئولیت‌پذیری و شفافیت گزارش مدیران در قبال نحوه ارائه عملکرد خود به سهامداران، مشتریان، کارکنان، دولت، مقامات ناظر و نقش قابل‌توجهی در کارآمدی و سلامت شرکت‌ها ایفا خواهد نمود.

حاکمیت شرکتی ضعیف منبع اصلی رفتار متقلبانه در متن شرکت‌هاست؛ بنابراین استقرار حاکمیت شرکتی قوی یکی از مؤثرترین ابزارها برای ممانعت و کاهش این گونه رفتار است. آنچه مسلم است ضرورت برپایی این نظام در تمامی شرکت‌ها در هر اندازه و با هر زمینه فعالیت است.

منابع

- آقایی، محمدعلی، اعتمادی، حسین، آذر، عادل، چالاک، پری، (۱۳۸۸). "ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و محتوای اطلاعاتی سود در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر نقش مدیریت سود"، فصلنامه علوم مدیریت ایران، شماره ۱۶
- آیین‌نامه نظام راهبری شرکتی، شرکت سهامی عام بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۸۶)
- اسماعیل‌زاده مقری، علی و جلیلی، محمد و زند عباس‌آبادی، عباس (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران، مجله حسابداری مدیریت، شماره ۷
- جلالی، فاطمه، (۱۳۸۷)، حاکمیت شرکتی و حرفه حسابداری، ماهنامه حسابداری، شماره ۱۹۶
- حساس یگانه، یحیی، (۱۳۸۸)، فلسفه حسابداری، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی
- سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، مترجم رهبری خرازی، مهسا، (۱۳۹۱)، اصول حاکمیت شرکتی، شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس
- حساس یگانه، یحیی، (۱۳۸۵)، حاکمیت شرکتی در ایران، فصلنامه حسابداری، شماره ۳۲
- حساس یگانه، یحیی، (۱۳۸۹)، پایداری و حاکمیت شرکتی، مجله حسابداری، شماره ۲۱۷
- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۳)، مبانی نظری حاکمیت شرکتی، نشریه حسابداری، شماره ۱۶۸
- Allen Choruma. (2016). Corporate governance in turmoil
- Rangaswamy D, Dr. K. Prabhakar, C. Prabhakaran (2013). Impact of Corruption on Corporate Governance- An Overview under the Context of Policy
- Framework against Corporate Corruption.
- Wu, X. 2005. Corporate Governance and Corruption: A Cross-Country Analysis. Governance: An International Journal of Policy, Administration and Institutions.
- john d. Sullivan (2013). The role of corporate governance in fighting corruption.
- Watson, Susan and Hirsch, Rebecca. (2010). THE LINK BETWEEN CORPORATE GOVERNANCE AND CORRUPTION IN NEW ZEALAND.
- www.transparency.org
- Elsie Addo and Seth Buatsi (2003). Corporate Governance and Corruption in Ghana.
- allen and overy (2016). Re-designing Corporate governance to promote innovation.

